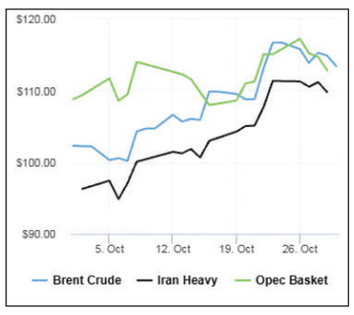
تحلیل

قیمت نفت ۲ درصد جهش کرد



قیمت نفت در معاملات روز جمعه بازار جهانی تحت تاثیر تشدید نگرانی‌های ژئوپلیتیکی، بیش از ۲ درصد جهش کرد و به بالاترین سطح خود در ۶ ماه گذشته رسید.

به گزارش ایسنا، قیمت معاملات آتی نفت خام برنت که در دسامبر منقضی می‌شود، با ۲.۲ درصد افزایش در ۱۱۳ دلار و ۲۵ سنت در هر بشکه بسته شد، در حالی که قیمت آتی نفت خام وست تگزاس اینترمدیت امریکا که در دسامبر منقضی می‌شود، با ۰.۹ درصد افزایش، در ۱۰۲ دلار و ۹۳ سنت در هر بشکه بسته شد. هر دو قرارداد در ماه اکتبر به ترتیب ۱۵.۵ درصد و ۱۳.۹ درصد افزایش یافته‌اند.

دنیس کیسلر، معاون ارشد بخش معاملات در شرکت «بی‌او کی فایننشال» گفت: «تمرکز معامله‌گران همچنان بر جریان نفت خروجی از خاورمیانه و احتمال تشدید تنش‌ها از سوی نیروهای امریکایی و متحدانشان باقی خواهد ماند.» پیامدهای تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران که از ۲۸ فوریه (۹ اسفند) آغاز شد، همچنان ادامه دارد و شرکت‌ها در تلاشند خود را با اختلالات ایجاد شده در کشتیرانی تجاری از طریق تنگه هرمز وفق دهند. سازمان عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) روز جمعه، از وقوع حادثه امنیتی برای یک نفتکش در تنگه هرمز خبر داد.

طبق گزارش روز پنجشنبه ساکسو بانک، قیمت نفت می‌تواند در چند هفته آینده به دلیل انتخابات اخیر رژیم صهیونیستی و انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا در سوم نوامبر، حتی بی‌ثبات‌تر شود. این بانک دانمارکی پیش‌بینی کرد نفت خام حتی پس از پایان درگیری، در محدوده بالاتری بین ۷۰ تا ۹۰ دلار در هر بشکه معامله خواهد شد، در حالی که قبل از جنگ، در محدوده ۶۰ تا ۷۰ دلار بود. بر اساس گزارش رویترز، تعداد دکل‌های نفتی امریکا که شاخصی از تولید آینده است، دو حلقه افزایش یافته است. اداره اطلاعات انرژی امریکا (EIA) در گزارش ماهانه تامین نفت خود در روز جمعه اعلام کرد که تولید نفت خام امریکا در ماه آگوست افزایش یافته، در حالی که تقاضا برای نفت خام و فرآورده‌های نفتی کاهش یافته است. در همین حال، شرکت ملی نفت لیبی اعلام کرد که یک گروه مسلح روز جمعه شیر خط لوله اصلی نفت خام حماده را که میدان حماده را به پالایشگاه زاویه متصل می‌کند، بست. این شرکت اعلام کرد که بسته شدن این شیر، جریان حدود ۱۵۰۰۰ بشکه در روز را متوقف کرده است.

خبر

ژاپن به بزرگ‌ترین وارد کننده گاز مایع در جهان تبدیل می‌شود

تحلیلگران موسسات «آی‌سی‌آی‌اس» (ICIS) و «کپلر» (Kpler) پیش‌بینی کردند ژاپن در سال جاری برای نخستین‌بار از سال ۲۰۲۲، با پیشی گرفتن از چین، به بزرگ‌ترین وارد کننده گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) در جهان تبدیل می‌شود.

به گزارش ایسنا، این تغییر وضعیت ناشی از قیمت‌های بالای ال‌ان‌جی و وجود ذخایر کافی در چین است که به محدود شدن خریدهای این کشور منجر شده است. بر اساس برآوردهای این شرکت‌های مشاوره‌ای، تقاضای ژاپن برای ال‌ان‌جی - هرچند اندک - از تقاضای چین پیشی خواهد گرفت. طبق گزارش شرکت «آی‌سی‌آی‌اس»، پیش‌بینی می‌شود واردات ژاپن به ۶۲ میلیون تن متریک برسد، در حالی که انتظار می‌رود واردات چین در سال جاری ۶۱ میلیون تن باشد. «کپلر» نیز پیش‌بینی می‌کند که ژاپن در سال جاری با ۶۳ میلیون تن واردات، در مقایسه با ۶۲ میلیون تن واردات چین، اندکی از این کشور پیشی بگیرد. چین در سال ۲۰۲۱ به بزرگ‌ترین وارد کننده ال‌ان‌جی در جهان تبدیل شد، اما محدودیت‌های طولانی‌مدت ناشی از قرنطینه‌های دوران کووید-۱۹ در این کشور باعث شد تا در سال ۲۰۲۲، ژاپن بار دیگر به جایگاه نخست بازگردد. پس از آن، چین در سال ۲۰۲۳ دوباره عنوان بزرگ‌ترین وارد کننده را به دست آورد و این وضعیت تا سال ۲۰۲۵ ادامه یافت. امسال، در پی بحران تنگه هرمز که به توقف محموله‌های ال‌ان‌جی از مبدا قطر و امارات متحده عربی منجر شده است، تقاضای کلی برای واردات ال‌ان‌جی در آسیا به‌شدت کاهش یافته، زیرا قیمت محموله‌های نقدی در بازاری که ناگهان با کمبود عرضه مواجه شده، به‌شدت بالا رفته است. با این حال، پیش‌بینی می‌شود کاهش تقاضا در چین محسوس‌تر باشد و همین امر به ژاپن اجازه می‌دهد تا در سال جاری از چین پیشی بگیرد. خریداران چینی ال‌ان‌جی در بحبوحه تنش‌های مرتبط با تجاوز نظامی امریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، پیش‌دستی کرده و به ایجاد ذخایر گاز پرداختند و این اقدام به پکن کمک کرد تا پیش از فرارسیدن زمستان، ذخایر کافی انباشت کند. به گفته «شیونگ وی»، تحلیلگر شرکت «ریستاد انرژی» تا پایان ماه سپتامبر، ۸۰ درصد از ظرفیت ذخیره‌سازی زیرزمینی گاز چین پر شده بود. کاهش تقاضای چین برای محموله‌های نقدی در زمستان امسال، می‌تواند به نفع سایر خریداران ال‌ان‌جی در آسیا و اروپا باشد؛ خریدارانی که بسیاری از آنها با چالش قیمت‌های بالای محموله‌های نقدی و رقابت شدید برای تامین گاز از منابعی که نیازی به عبور از تنگه هرمز ندارند، دست و پنجه نرم می‌کنند. بر اساس گزارش اویل پرایس، ژاپن نیز به نوبه خود، در تابستان امسال و با توجه به تداوم قیمت‌های بالای گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) تولید برق با استفاده از گاز را کاهش داد و به جای آن به زغال‌سنگ روی آورد. قیمت‌های ال‌ان‌جی در آسیا با اختلال در عبور محموله‌های گاز مایع از تنگه هرمز، به بالاترین سطح خود در چهار سال اخیر رسیده‌اند و هم‌زمان، رقابت با اروپا برای تامین ذخایر زمستانی نیز شدت گرفته است.

«تعادل» گزارش می‌دهد

نفت روی موج ریسک



بازار جهانی انرژی این روزها فقط با میزان عرضه و تقاضا قیمت‌گذاری نمی‌شود. در کنار حجم تولید، سطح ذخایر و چشم‌انداز مصرف، متغیری نامریی اما اثرگذار نیز در محاسبات معامله‌گران حضور دارد: ریسک ژئوپلیتیک. برآورد مطرح‌شده در گفت‌وگو با ایرنا نشان می‌دهد حدود ۲۰ تا ۲۵ دلار از بهای کنونی حامل‌های انرژی، به نگرانی از تنش‌های منطقه‌ای و اختلال احتمالی در مسیرهای تولید و انتقال مربوط است. اگر این برآورد را مبنا قرار بدهیم، پرسش اصلی دیگر فقط این نیست که قیمت نفت چه زمانی کاهش می‌یابد؛ مساله این است که چه اتفاقی باید بیفتد تا این بخش از قیمت، از بازار کنار برود.

افزایش بهای نفت تا محدوده ۱۱۷ دلار در هفته گذشته، نشانه‌ای از حساسیت بازار به تحولات سیاسی و امنیتی بود. پس از انتشار خبر سفر مقام‌های ارشد عربستان، ترکیه و پاکستان به ایران و مخابره پیام‌هایی درباره احتمال دستیابی به تفاهم، قیمت‌ها اندکی عقب نشستند؛ اما این کاهش محدود، دوام نگرانی‌ها را نشان داد. هم‌زمان، گزارش حملات پهپادی به تأسیسات نفتی، فرودگاهی در ریاض و خطوط انتقال نفت، مانع از آن شد که بازار با اطمینان به مسیر نزولی برگردد. در چنین شرایطی، هر خبر مثبت می‌تواند از شدت نگرانی بکاهد، اما هر حادثه تازه نیز توان بازگرداندن التهاب را دارد.

بازار انرژی بیش از آنکه صرفا به خبرهای روز واکنش نشان دهد، در حال قیمت‌گذاری احتمال وقوع رویدادهای آینده است. معامله‌گران فقط نمی‌پرسند امروز چه میزان نفت تولید یا صادر می‌شود؛ آنها می‌سنجند اگر تنش‌ها بالا بگیرد، عرضه از کدام مسیرها ممکن است مختل شود، انتقال محموله‌ها چقدر دشوار خواهد شد و جایگزین‌کردن عرضه ازدست‌رفته چه هزینه‌ای دارد. از این رو، حتی زمانی که جریان فیزیکی نفت هنوز متوقف نشده، نگرانی از اختلال احتمالی می‌تواند قیمت‌ها را بالا نگه دارد. به‌ویژه تنگه هرمز و تحولات خلیج فارس در این معادله اهمیت دارند؛ هر چه وابستگی بازار به عبور امن انرژی از این مسیرها بیشتر احساس شود، وزن ریسک در قیمت‌گذاری نیز افزایش می‌یابد.

در کنار تنش‌های منطقه‌ای، استفاده از ذخایر استراتژیک بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفته است. گزارش‌ها از برداشت بیشتر امریکا و آلمان حکایت دارد و هند نیز از آزادسازی بخشی از ذخایر خود با همکاری برخی کشورها خبر داده است. درباره اقدام احتمالی ژاپن و کره‌جنوبی نیز گمانه‌زنی‌هایی مطرح شده، هرچند این موضوع‌ها هنوز به‌طور رسمی تأیید نشده‌اند. چین نیز در سال‌های گذشته از ذخایر خود برای مدیریت بازار بهره برده است. این تحرکات نشان می‌دهد دولت‌ها در برابر شوک‌های عرضه تنها به ابزارهای دیپلماتیک یا افزایش تولید متکی نیستند و ذخایر را نیز به عنوان ضربه‌گیر وارد میدان می‌کنند.

فلسفه ذخایر استراتژیک همین است: خرید زمان در شرایط اضطراری. پس از شوک‌های نفتی دهه ۱۹۷۰، کشورها به این نتیجه رسیدند که امنیت انرژی را نمی‌توان تنها به قراردادهای تجاری و جریان معمول واردات واگذار کرد. در چارچوب توافق اعضای آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۱۹۷۴، نگهداری ذخایری معادل ۹۰ روز واردات خالص به عنوان یکی از ابزارهای آمادگی در برابر بحران مطرح شد. این ذخایر می‌توانند در کوتاه‌مدت از شدت کمبود بکاهند و به دولت‌ها فرصت بدهند مسیرهای جایگزین یا راه‌حل‌های دیپلماتیک را پیگیری کنند؛ اما قرار نیست جایگزین پایدار تولید و انتقال شوند.

آزادسازی ذخایر، به‌تنهایی، تضمینی برای کاهش ماندگار قیمت‌ها نیست. این اقدام می‌تواند بخشی از کمبود یا نگرانی کوتاه‌مدت را جبران کند، اما اگر خطر اختلال در تولید و حمل‌ونقل پابرجا بماند، اثر آن محدود خواهد بود. ضمن آنکه ذخایر منبعی نامحدود نیستند و استفاده گسترده از آنها، ذخیره قابل‌دسترس برای بحران‌های بعدی را کاهش می‌دهد. بنابراین، برداشت از ذخایر را باید بیشتر پیام سیاسی و ابزار مدیریت موقت بازار دانست تا راه‌حلی برای ریشه‌های ناپایداری. حتی در صورت توافق، بازگشت سریع قیمت‌ها به سطح پیش از جنگ چندان محتمل به‌نظر نمی‌رسد. بخشی از علت را باید در پدیده «چسبندگی قیمت‌ها» جست‌وجو کرد: افزایش هزینه‌ها معمولا سریع‌تر از کاهش آنها در زنجیره عرضه و توزیع منعکس می‌شود. قیمت نفت خام تنها یکی از اجزای بهای نهایی سوخت است؛ هزینه پالایش، حمل‌ونقل، بیمه، توزیع و انتظارات بازار نیز در قیمت محصولاتی مانند گازوئیل نقش دارند. برای نمونه، در گزارش ایرنا به افزایش حدود ۷۵ تا ۸۰ درصدی قیمت گازوئیل در امریکا طی یک سال گذشته اشاره شده است. چنین جهشی با یک خبر سیاسی مثبت به سرعت خنثی نمی‌شود؛ زیرا قراردادها، هزینه‌های انباشته و رفتار خریداران و فروشندگان با تأخیر تغییر می‌کنند.

سناریوهای مطرح‌شده برای آینده نیز بیش از آنکه پیش‌بینی قطعی باشند، تصویری از دامنه خطرها ارایه می‌دهند. در سناریوی خوش‌بینانه، حتی با فرض دستیابی به توافق، نفت ممکن است در میان‌مدت در محدوده ۱۰۰ دلار باقی بماند؛ زیرا کاهش ریسک و بازگشت جریان عادی عرضه زمانبر است. در صورت تداوم تنش‌ها، احتمال حرکت قیمت تا ۱۲۰ دلار مطرح شده و در سناریوی بحرانی‌تر، برآورد بانک جهانی از امکان افزایش قیمت تا ۱۳۵ دلار حکایت دارد. تفاوت میان این مسیرها به‌روشنی نشان می‌دهد که بازار به یک عامل منفرد وابسته نیست: سطح تنش، امنیت زیرساخت‌ها، وضعیت مسیرهای انتقال، واکنش تولیدکنندگان و سرعت ترمیم زنجیره تأمین، همگی در نتیجه نهایی نقش دارند.

در این میان، توافق سیاسی می‌تواند بیش از آنکه فورا قیمت‌ها را به گذشته بازگرداند، سقفی برای نگرانی‌های تازه ایجاد کند. کاهش احتمال درگیری، بیمه و حمل‌ونقل را قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند، از شکل‌گیری تقاضای احتیاطی می‌کاهد و به فعالان بازار امکان می‌دهد تصمیم‌های خود را بر پایه عوامل بنیادی‌تری مانند عرضه و تقاضا تنظیم کنند. با این حال، رسیدن به این مرحله نیازمند اعتمادسازی و اطمینان از پایداری تفاهم است. توافقی که دوام آن محل تردید باشد، ممکن است فقط آرامشی کوتاه به بازار بدهد.

پیام اصلی وضعیت کنونی روشن است: ریسک ژئوپلیتیک دیگر حاشیه‌ای بر قیمت انرژی نیست، بلکه به بخشی از خود قیمت تبدیل شده است. تا زمانی که نگرانی از اختلال در خلیج فارس و مسیرهای انتقال برطرف نشود، حتی خبرهای امیدوارکننده نیز لزوما به افت چشمگیر و پایدار قیمت‌ها منجر نخواهد شد. ذخایر استراتژیک می‌توانند زمان بخرند و توافق‌ها می‌توانند از شدت بحران بکاهند، اما بازگشت بازار به تعادل به چیزی فراتر از یک خبر مثبت نیاز دارد: کاهش پایدار تنش، امنیت عرضه و اطمینان از اینکه انرژی می‌تواند بدون وقفه به مقصد برسد.

از پایش آلاینده‌ها تا بازچرخانی آب

در شرایط تشدید فشار بر منابع آبی کشور، پایش دقیق کیفیت آب و پساب و شناسایی آلاینده‌های شیمیایی و زیستی، به یکی از الزامات مدیریت مصرف در صنایع آب‌بر تبدیل شده است. در همین راستا، یک شرکت دانش‌بنیان با طراحی و تولید تجهیزات آنالیز آب و سامانه‌های پایش آنلاین، محصولاتی را برای استفاده در صنایع فولاد، پتروشیمی و حوزه محیط زیست عرضه کرده است.

به گزارش ایسنا، افزایش فشار بر منابع آبی کشور، مدیریت دقیق مصرف و پایش کیفیت آب را به یکی از نیازهای مهم صنایع آب‌بر تبدیل کرده است. در این شرایط، تجهیزات آنالیز آب می‌توانند با شناسایی آلاینده‌های شیمیایی و زیستی و فراهم کردن داده‌های دقیق‌تر، به تصمیم‌گیری برای مدیریت و استفاده مجدد از آب کمک کنند. طیبه قدس‌الهی، مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان فوق، با اشاره به کاربرد محصولات این شرکت در حوزه آنالیز آب و پساب، می‌گوید این تجهیزات به‌صورت آنلاین و آزمایشگاهی در صنایع مختلف از جمله فولاد و پتروشیمی قابل استفاده‌اند.

به گفته او، محصولات آنالیزوری این شرکت در حوزه‌هایی مانند محیط زیست و صنعت کاربرد دارند و می‌توانند در کنار سایر راهکارهای مدیریتی و فنی به بهبود پایش منابع آب و مقابله با ناترازی آب کمک کنند. مدیریت منابع آب در شرایط افزایش تقاضا و محدودیت منابع، به اطلاعات دقیق درباره کیفیت آب، میزان آلودگی و امکان استفاده مجدد از آن نیاز دارد. در صنایع آب‌بر، پایش مستمر آب و پساب می‌تواند به شناسایی به‌موقع مشکلات، بهبود فرآیندهای تصفیه و تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر برای مصرف آب کمک کند. در این میان، تجهیزات آنالیز و پایش آب یکی از ابزارهای پشتیبان مدیریت منابع آبی به شمار می‌روند. این شرکت دانش‌بنیان با طراحی و تولید تجهیزات آنالیزوری و طیف‌سنجی نوری، محصولاتی را برای کاربرد در حوزه‌های سلامت، صنعت، محیط زیست و پژوهش به بازار عرضه کرده است. آنالیزورهای آب و پساب این شرکت از جمله تجهیزاتی هستند که برای بررسی کیفیت آب در محیط‌های آزمایشگاهی و برخی کاربردهای پایش آنلاین مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ تجهیزاتی که به گفته مدیرعامل این شرکت، ظرفیت استفاده در صنایع فولاد و پتروشیمی را نیز دارند.

قدس‌الهی با اشاره به سابقه فعالیت این مجموعه می‌گوید: شرکت ما با حدود ۱۲ سال سابقه و با پشتوانه علمی قوی فعالیت خود را آغاز کرده است. محصولات ما در حوزه تشخیص و آنالیز قرار دارند و نانوداپ، دستگاه واکنش زنجیره‌ای پلیمراز در زمان واقعی (Real-time PCR)، طیف‌سنج مرئی فرابنفش، آنالیزور آب و میکروپلیت‌ریدر از جمله تجهیزاتی هستند که طراحی و تولید می‌کنیم و به بازار عرضه کرده‌ایم. به گفته قدس‌الهی، محصولات این شرکت در حوزه‌های مختلفی از جمله سلامت، محیط زیست و کشاورزی کاربرد دارند. او معتقد است تجهیزات آنالیزوری می‌توانند در مواجهه با چالش‌های زیرساختی کشور از جمله ناترازی آب، برق و گاز، نقش پشتیبان داشته باشند؛ زیرا اندازه‌گیری دقیق و دسترسی به داده‌های قابل اتکا، یکی از پیش‌نیازهای مدیریت کارآمد منابع است.

مدیرعامل این شرکت دانش‌بنیان درباره کاربرد تجهیزات این شرکت در حوزه آب توضیح می‌دهد که آنالیزورهای آب امکان بررسی آلاینده‌های شیمیایی و زیستی را فراهم می‌کنند. این تجهیزات در قالب سامانه‌های آزمایشگاهی یا پایش آنلاین، بسته به نوع دستگاه و کاربرد تعریف‌شده آن می‌توانند برای کنترل کیفیت آب و بررسی وضعیت آب و پساب در محیط‌های صنعتی به کار گرفته شوند. در صنایعی مانند فولاد و پتروشیمی، آب در بخش‌های مختلف فرایند تولید، خنک‌کاری و عملیات جانبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پایش کیفیت آب در این فرآیندها می‌تواند به تشخیص تغییرات نامطلوب، بررسی عملکرد سامانه‌های تصفیه و ارزیابی کیفیت آب در مراحل مختلف کمک کند. همچنین، اطلاعات حاصل از آنالیز آب و پساب می‌تواند در بررسی امکان استفاده مجدد از آب و کاهش برداشت از منابع تازه نقش داشته باشد. البته میزان صرفه‌جویی در مصرف آب به شرایط هر واحد صنعتی، نوع فرآیند، روش تصفیه و نحوه استفاده از داده‌های پایش بستگی دارد و صرف نصب تجهیزات آنالیز، به‌تنهایی به معنای رفع ناترازی آب نیست. این شرکت در خردادماه سال ۱۳۹۱ به‌وسیله تعدادی از فارغ‌التحصیلان مقطع دکترای دانشگاه صنعتی شریف تأسیس شد. زمینه اصلی فعالیت این مجموعه، طراحی و ساخت انواع اسپکتروفتومتر و آنالیزورهای نوری مبتنی بر طیف‌سنجی نوری است. این تجهیزات در حوزه‌های سلامت، صنعت، محیط زیست و پژوهش کاربرد دارند و برای انجام اندازه‌گیری‌ها و تحلیل‌های مورد نیاز در آزمایشگاه‌ها و محیط‌های صنعتی طراحی شده‌اند. از محصولات معرفی‌شده این شرکت می‌توان به نانوداپ، اسپکتروفتومتر فرابنفش‌مریی (UV-VIS) آنالیزور چندمنظوره با قابلیت‌هایی مانند اسپکتروفتومتری، نانوداپ، میکروپلیت‌ریدر و تشدید پلاسمون سطحی موضعی (LSPR) دستگاه Real-time PCR، آنالیزور آب، آنالیزور نیمه‌اتوماتیک بیوشیمی، اتوآنالایزر بیوشیمی و سامانه‌های آنالیز آنلاین گاز، آب و پساب اشاره کرد. به گفته قدس‌الهی، محصولات این شرکت تاکنون در بیش از ۱۶۰ دانشگاه، پژوهشگاه، مرکز درمانی و مجموعه صنعتی نصب و راه‌اندازی شده‌اند. این مجموعه همچنین اعلام کرده است که بیش از ۱۰۰ مقاله در مجلات نمایه‌شده در پایگاه ISI و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی در کارنامه پژوهشی آن قرار دارد. این شرکت دارای استانداردهای ISO ۱۳۴۸۵ و ISO ۹۰۰۱ است و برای فعالیت و محصولات خود، تأییدیه‌ها و مجوزهایی از جمله پروانه ساخت از اداره کل تجهیزات پزشکی (IMED) دریافت کرده است. گواهی بین‌المللی کالیبراسیون، تأییدیه عملکردی از آزمایشگاه مرجع سلامت، استاندارد ایمنی الکتریکی، استاندارد سازگاری الکترومغناطیسی و تأییدیه رضایتمندی خریداران نیز در فهرست مدارک و تأییدیه‌های اعلام‌شده این شرکت قرار دارند. این مجموعه همچنین از دریافت مجوز و پروانه پژوهش از وزارت صنعت، معدن و تجارت خبر داده است. تجهیزات آنالیز آب و پساب زمانی می‌توانند در مدیریت منابع آبی موثر باشند که متناسب با نیاز هر صنعت انتخاب شوند و داده‌های حاصل از آنها در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی به کار گرفته شود. استفاده از این داده‌ها برای کنترل فرایندهای تصفیه، شناسایی آلودگی‌ها و ارزیابی امکان بازچرخانی آب، می‌تواند به مدیریت بهتر مصرف کمک کند. توسعه و به‌کارگیری تجهیزات بومی در این حوزه نیز می‌تواند ظرفیت دسترسی صنایع به ابزارهای اندازه‌گیری و پایش را افزایش بدهد. محصولات آنالیزوری این شرکت از جمله گزینه‌های داخلی معرفی‌شده برای پاسخگویی به بخشی از این نیازها هستند.

طرح کارور گاز؛ راهکار نوین بهینه‌سازی و مهار ناترازی انرژی

براساس برآورد‌های صورت گرفته طرح کارور گاز با مشارکت بخش خصوصی و اجرای قراردادهای نوع ۲، تا پایان سال ۹۸۰ میلیون مترمکعب صرفه‌جویی ایجاد می‌کند.

به گزارش مهر، بررسی ساختار مصرف انرژی در کشور نشان می‌دهد که بهره‌وری انرژی در بخش‌های مختلف اعم از خانگی، تجاری، عمومی و صنعتی همواره یکی از چالش‌های ساختاری اقتصاد ملی بوده است. در شرایطی که شدت مصرف انرژی در ایران چندین برابر استانداردهای جهانی است، اتلاف منابع ارزشمند ملی به یکی از موانع اصلی توسعه پایدار تبدیل شده است.

در این میان، گاز طبیعی به عنوان شریان اصلی تأمین انرژی کشور سهم عمده‌ای از سبد مصرفی را به خود اختصاص داده و در فصول سرد سال، بار سنگینی بر دوش شبکه سراسری انتقال گاز قرار می‌گیرد. ناترازی تولید و مصرف در ماه‌های اوج مصرف، ضرورت اتخاذ راهبردهای نوین، عملیاتی و دور از روش‌های سنتی را بیش از پیش آشکار ساخته است. طرح «کارور گاز» به عنوان یکی از مترقی‌ترین مدل‌های مشارکت عمومی و خصوصی، پاسخ ساختاری به این نیاز مبرم است که با تکیه بر توانمندی شرکت‌های تخصصی خدمات انرژی (ESCO) طراحی و وارد فاز عملیاتی شده است. توسعه همکاری با بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت شرکت‌های کارور، فرصت مناسبی برای مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی و شتاب‌بخشی به اجرای طرح‌های کاهش مصرف در کشور فراهم کرده است. شرکت‌های کارور انرژی ظرفیت قابل توجهی برای مدیریت، بهینه‌سازی و کنترل مصرف انرژی در کشور ایجاد کرده‌اند و باید از این ظرفیت برای تحقق اهداف بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی به بهترین نحو استفاده کرد. وزارت نفت و شرکت ملی گاز ایران با تدوین دستورالعمل‌ها و بسته‌های کاری متنوع، بستر لازم را برای ورود شرکت‌های واجد صلاحیت به این عرصه فراهم کرده‌اند تا فرآیند بهینه‌سازی در بخش‌های مختلف با سرعت و دقت بیشتری دنبال شود. این رویکرد ساختاری نشان‌دهنده اراده جدی صنعت گاز برای بهره‌گیری از سرمایه‌ها و تخصص‌های غیردولتی در راستای غلبه بر ناترازی‌های فصلی است.

سعید توکلی، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران، با تأکید بر جایگاه ویژه شرکت‌های کارور تصریح کرد که این مجموعه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ممیزی انرژی، اصلاح تجهیزات احتراقی، نصب سیستم‌های کنترل هوشمند، عایق‌کاری حرارتی موتورخانه‌ها و ارتقای بهره‌وری در صنایع و ساختمان‌ها بر عهده دارند.

شرکت‌های کارور در واقع به عنوان بازوان اجرایی تخصصی عمل می‌کنند که با پایش مستمر و هوشمند مصرف، اطمینان حاصل می‌کنند که کاهش مصرف به صورت پایدار و قابل اندازه‌گیری رخ بدهد.

نکته حائز اهمیت در این مدل مشارکتی این است که شرکت‌های کارور از محل ارزش گاز صرفه‌جویی‌شده در بلندمدت منتفع می‌شوند؛ مدلی کارآمد که منافع دولت، بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان را به‌طور همزمان تامین کرده و یک ساختار کاملا برد-برد ایجاد می‌نماید. روند جذب و توسعه فعالیت شرکت‌های کارور با شتاب مطلوبی در سراسر کشور ادامه دارد. تاکنون ۸۵ شرکت متقاضی موفق به دریافت اعتبار موقت فعالیت کاروری گاز شده‌اند که این اقدام گامی مهم در مسیر توسعه فعالیت شرکت‌های کارور در حوزه بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی و تسریع در اجرای طرح‌های کاهش مصرف به شمار می‌رود.

علاوه بر این، تا این لحظه ۸۸ قرارداد میان شرکت‌های گاز استانی و شرکت‌های کارور در ۲۹ استان کشور منعقد شده است. با توجه به استقبال چشمگیر بخش خصوصی از قراردادهای نوع ۲ و وجود مشوق‌های مالی و قانونی مناسب، روند انعقاد قراردادها همچنان در حال افزایش است و چشم‌انداز روشنی برای پوشش سراسری این طرح در افق میان‌مدت کشور ترسیم شده است. این آمارها بیانگر اعتماد متقابل میان حاکمیت و فعالان اقتصادی غیردولتی است.

یکی از برجسته‌ترین و ملموس‌ترین دستاوردهای پیش‌بینی‌شده در این طرح، حجم عظیم صرفه‌جویی انرژی است که آثار مثبت آن مستقیما در پایداری شبکه گاز کشور نمایان خواهد شد. به گفته معاون وزیر نفت در امور گاز، بر اساس برآوردهای دقیق کارشناسی و طرح‌های در دست اجرا، در صورت اجرای کامل برنامه‌های پیش‌بینی‌شده از سوی شرکت‌های کارور، تا پایان سال جاری حدود ۹۸۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی در کشور صرفه‌جویی خواهد شد. این رقم چشمگیر، نقش بسیار موثری در مدیریت مصرف، کاهش فشار بر خطوط انتقال، جلوگیری از اتلاف منابع و کمک به پایداری شبکه گاز کشور در فصول سرد سال ایفا خواهد کرد. تحقق این حجم از صرفه‌جویی علاوه بر مهار ناترازی، از بروز خسارت‌های سنگین اقتصادی جلوگیری کرده و منابع مالی ارزشمندی را برای توسعه زیرساخت‌های کشور آزاد می‌سازد.

توکلی با تأکید بر ضرورت هم‌افزایی همه‌جانبه میان تمام بخش‌های صنعت گاز تاکید کرد: همه دغدغه‌مندیم و هیچ تفاوتی میان ارکان مختلف صنعت وجود ندارد؛ انتظار این است که با هم‌افزایی و پذیرش مسوولیت‌های فردی و جمعی، اجازه بدهیم دستگاه متولی کار خود را به بهترین نحو انجام بدهد.

وی با صراحت اعلام کرد که امروز شرایط کشور و جهان به گونه‌ای است که «جنگ، جنگ انرژی است». در شرایطی که بحران انرژی به خط مقدم رقابت‌های اقتصادی و سیاسی تبدیل شده، همه بخش‌های صنعت باید با درک متقابل، همبستگی و هم‌افزایی، برای عبور از چالش‌های پیش‌رو و حفظ پایداری شبکه در کنار یکدیگر باشند. بر همین اساس مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران تأکید کرد که جنگ انرژی، میدان رقابت و آزمون توانمندی است و هر چه در این مسیر هماهنگ‌تر، منسجم‌تر و مسوولانه‌تر عمل شود، نتایج درخشان‌تری حاصل خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

نباید به محاصره عادت کنیم

ما تحت هیچ شرایطی نباید زیر بار «محاصره» و انزوای اقتصادی برویم. عادت کردن به محاصره برای بلندمدت، عادتی مهلک و ویرانگر است که به راحتی می‌تواند شالوده اقتصاد ما را از بین ببرد و کشور را به سمت فروپاشی ساختاری سوق دهد. اجازه بدهید یک تجربه تاریخی را صریح و بی‌پرده بیان کنم: ما سال‌ها پیش به پدیده «تحریم» عادت کردیم. یک بار مرتکب اشتباه بزرگی شدیم و پذیرفتیم که با تحریم زندگی کنیم؛ به جای آنکه در همان گام‌های نخست، تمام تلاش خود را برای رفع ریشه‌ای تحریم به کار ببندیم، به سراغ راه‌های فرعی رفتیم. عادت کردن به تحریم برای اقتصاد ملی ما دستاوردی جز یک فساد گسترده اقتصادی، رانت‌خواری‌های کلان و به وجود آمدن طیفی به نام «کاسبان تحریم» به همراه نداشت. امروز هم شاهدیم که همین پدیده شوم در قالب واژه‌ها و پدیده‌های جدیدی مثل «تراستی‌ها» در جامعه و ادبیات اقتصادی ما بازتولید می‌شود و درباره آن می‌شنویم. بنابراین، عادت به محاصره شاید ما را در کوتاه‌مدت از بین نبرد؛ چرا که درست همانطور که در سال‌های گذشته فنون «دور زدن تحریم» را یاد گرفتیم و اقتصادمان به صورت افتان وخیزان و با تحمل هزینه‌های گزاف به حیات خود ادامه داد، امروز نیز آرام آرام راه‌های «دور زدن محاصره» را پیدا می‌کنیم. اما باید بدانیم که این روش دارای «تالی فاسد» و عوارض جانبی بسیار خطرناکی است.

■ به عنوان پرسش پایانی، با توجه به این نقد صریح شما نسبت به رویکرد دور زدن تحریم و محاصره، راهکار عملیاتی و پیشنهاد مشخص جنابعالی برای برون‌رفت از این چرخه معیوب چیست؟

نگاه من امروز، با نگاه سال‌های گذشته کاملا متفاوت است. وقتی به پشت سر نگاه می‌کنم، با صراحت می‌گویم: بسیار خوب بود که ما به جای تمرکز انحصاری بر «دور زدن تحریم»، در همان زمانِ طلایی برای «رفع تحریم» اقدام می‌کردیم و هزینه سیاسی و اقتصادی رفع آن را می‌پرداختیم تا اقتصاد کشور در مسیر طبیعی خود قرار گیرد. امروز نیز دقیقا همین منطق برقرار است. به جای آنکه به شرایط دردناک محاصره عادت کنیم و افتخار کنیم که راه‌های دور زدن آن را بلدیم، باید تمام تمرکز، توان و انرژی دستگاه دیپلماسی و اقتصادی کشور معطوف به «رفع محاصره» باشد. ما باید درباره «رفع محاصره» صحبت کنیم، نه درباره سازگاری با آن. استمرار عادت به تحریم و محاصره، ریشه تولید ملی را می‌خشکاند و مفسدان اقتصادی را قدرتمندتر می‌کند. دیپلماسی فعال باید این تابو را بشکند و منافع بلندمدت ملت ایران را در گروی پایان دادن به این حصارهای اقتصادی تامین کند.

بورس قربانی سود بانکی یا ریسک‌های سیاسی؟

با این حال، ادامه این روند یا بازگشت بازار به مسیر صعودی، به تحولات آینده و میزان کاهش یا افزایش ابهامات بستگی دارد. در مجموع، اصلاح اخیر بورس را نمی‌توان تنها به نرخ سود بانکی، بازدهی اوراق یا یک تصمیم اقتصادی مشخص نسبت داد. رشد قابل توجه بازار در پنج تا شش ماه ابتدایی سال، افزایش ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی و بلاتکلیفی در تصمیمات اقتصادی، مجموعه عواملی هستند که در شکل‌گیری شرایط فعلی نقش دارند. نرخ سود سپرده‌ها، بازدهی اوراق و سیاست‌های دولت نیز در کنار این عوامل قرار می‌گیرند و می‌توانند بر شدت و جهت حرکت بازار اثر بگذارند. تحلیل دقیق بورس نیازمند نگاهی جامع به متغیرهای اثرگذار است، چراکه رفتار بازار سهام معمولا نتیجه برهم‌کنش چندین عامل است و تمرکز بر یک متغیر، به تنهایی نمی‌تواند تصویر روشنی از دلایل اصلاح یا چشم‌انداز آینده بازار ارایه دهد.

رقابت‌پذیری صادرات فراتر از بازگشت ارز

عبور از این موانع، هم به اصلاح عملکرد بنگاه‌ها و هم به تغییر رویکرد سیاستگذاری نیاز دارد. بخش خصوصی باید برای هر محصول و بازار هدف، برنامه مشخصی تدوین کند؛ قیمت را بر اساس هزینه‌های مقصد محاسبه کند، اصلاحات لازم را انجام دهد و با سفار